

گزارش

راهبرد برد-برد در بحران

اجلاس سازمان همکاری شانگهای در چین، فرصت مهمی برای ایران فراهم کرد تا ضمن تقویت روابط چندجانبه، نقش خود را در حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای برجسته کند. دیدارهای مسعود پزشکیان و دو سخنرانی رئیس جمهوری در اجلاس سران شانگهای و شانگهای‌پلاس و طرح پیشنهاداتی از سوی تهران، مؤید تلاش تهران برای یارگیری دیپلماتیک است. ضمناً پزشکیان هشدار داد که هرگونه فعال‌سازی مکانیسم ماشه از سوی اروپا، می‌تواند همه تعاملات فی‌مابین را مختل کند؛ موضوعی که اهمیت هماهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی را برجسته می‌کند. در همین راستا، ایران به همراه روسیه و چین، اقدام به ارسال نامه مشترک به دبیرکل سازمان ملل کرده است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، با انتشار جزئیات این نامه در شبکه اجتماعی خود، اعلام کرد که تلاش کشورهای اروپایی برای فعال‌سازی سازوکار اسنپ‌پک فاقد هرگونه بنیای حقوقی است و از نظر سیاسی اقدامی مخرب محسوب می‌شود. در این نامه تأکید شده است که هیچ طرفی نمی‌تواند توالی وقایع تاریخی و نقض‌های پیشین برجام توسط آمریکا و اروپا را پاک کند و هرگونه اقدام یک‌جانبه برای تحمیل تحریم‌ها، مشروعیت خود را از دست خواهد داد. این نامه، ضمن ثبت موضع قاطع ایران، روسیه و چین، نوعی پشتیبانی قانونی و سیاسی برای ایران در مقابل فشارهای اروپایی فراهم می‌آورد و به‌عنوان پشتوانه دیپلماتیک در عرصه بین‌المللی عمل می‌کند. از منظر راهبردی، ایران تلاش دارد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورهای عضو شانگهای، به‌ویژه چین و روسیه، فشارهای یک‌جانبه اروپا و آمریکا را تعدیل کند. این همکاری‌ها شامل حمایت سیاسی در برابر فعال‌سازی تحریم‌ها، تضمین حقوق هسته‌ای ایران و استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی برای مقابله با تحریم‌های احتمالی است. راپرتی‌ها با چین، روسیه، ترکیه، پاکستان و... نشان می‌دهد این کشورها مخالف بازگشت قطع‌نامه‌های تحریمی لغوشده هستند و به نوعی سکوی حمایتی برای ایران فراهم می‌آورند. هم‌زمان، تلاش‌های ایران در عرصه منطقه‌ای نیز با نگرانی‌های امنیتی و سیاسی همراه است. همکاری با ترکیه در حفظ ثبات عراق و سوریه، حمایت از توافقات میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان برای تثبیت صلح قفقاز و مخالفت با حضور نیروهای فرمانطقه‌ای، نشان‌دهنده رویکرد تهران برای مدیریت بحران‌ها و تقویت همکاری‌های چندجانبه است. این اقدامات نه‌تنها موقعیت ایران را در منطقه تثبیت می‌کند، بلکه به تهران امکان می‌دهد تا در مسیر مذاکرات هسته‌ای و مقابله با فشارهای بین‌المللی، از پشتوانه منطقه‌ای قوی بهره‌برد. تحلیل روند ائتلاف‌سازی دیپلماتیک ایران در شانگهای نشان می‌دهد که تهران به دنبال ایجاد چارچوب حقوقی-سیاسی چندجانبه‌ای برای مقابله با فعال‌سازی مکانیسم ماشه است. با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های چندجانبه، ایران می‌تواند مشروعیت اقدامات اروپا و آمریکا را زیر سؤال ببرد و اجماع بین‌المللی برای اجرای تحریم‌ها را محدود کند. تعامل هم‌زمان با ترکیه، چین و روسیه، به ایران اجازه می‌دهد ضمن حفظ خطوط قرمز ملی، انعطاف‌پذیری دیپلماتیک خود را افزایش دهد. جمع‌بندی این مسیر تأیید می‌کند که چشم‌انداز منطقه‌ای و جهانی پرورنده هسته‌ای ایران، نه صرفاً یک موضوع فنی یا حقوقی، بلکه عرصه‌ای از رقابت قدرت‌ها و تعاملات راهبردی است. نامه مشترک ایران، روسیه و چین به دبیرکل سازمان ملل و حضور فعال در اجلاس شانگهای و شانگهای‌پلاس، ابزارهای حیاتی ایران برای مدیریت فشارهای خارجی و تقویت موقعیت خود در معادلات منطقه‌ای و جهانی محسوب می‌شوند. این رویکرد ترکیبی، هم‌زمان مدیریت فشار، حفظ حقوق هسته‌ای و تقویت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی را دنبال می‌کند.

چالش‌های حقوقی و سیاسی بازگشت قطع‌نامه‌ها: راهبرد مقابله ایران

البته به موازات آنچه گفته شد و با نزدیک شدن به موعد بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه شورای امنیت، ایران در میدان حقوقی و سیاسی با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده مواجه است که نه‌تنها آینده برنامه هسته‌ای، بلکه موقعیت بین‌المللی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مقامات ایرانی، ازجمله رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، با تحلیل عمیق ابعاد حقوقی و سیاسی این تحولات، بر ضرورت طراحی راهبردی جامع برای مقابله با پیامدهای فعال‌سازی مکانیسم ماشه تأکید کرده‌اند. یکی از محورهای اصلی راهبرد ایران، بعبت‌ایارسازی اقدامات اروپایی و آمریکایی است. با تأکید بر این نکته که پیشنهاد سه کشور اروپایی برای بازگرداندن تحریم‌ها و تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه، برخلاف تعهدات قانونی آنها و برخلاف روح برجام است، تهران تلاش دارد تا از طریق دیپلماسی چندجانبه و همکاری با چین و روسیه، مشروعیت این اقدامات را زیر سؤال ببرد. این رویکرد، ضمن تأمین پشتوانه سیاسی، امکان کاهش فشارهای بین‌المللی و محدودکردن دامنه تحریم‌ها را فراهم می‌کند.

مدیریت افکار عمومی داخلی و بین‌المللی نیز محور دیگری از راهبرد ایران است. مقامات بر ضرورت اطلاع‌رسانی شفاف درباره جنبه‌های قانونی، حقوقی و سیاسی بازگشت قطع‌نامه‌ها تأکید دارند تا ضمن کاهش فضای روانی ناشی از تبلیغات رسانه‌های غربی، حمایت مردم و نهادهای داخلی را تضمین کنند. به گفته رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، رسانه‌های غربی تلاش دارند فعال‌سازی مکانیسم ماشه را به‌عنوان یک فاجعه اقتصادی جلوه دهند، درحالی‌که بررسی دقیق قطع‌نامه‌های پیشین نشان می‌دهد که محدودیت‌های تجاری و نفتی در هیچ‌یک از آنها بیش‌بینی نشده است. از منظر حقوقی، ایران با بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته خود در مقابله با تحریم‌ها، ازجمله قطع‌نامه ۱۹۲۹، بر آمادگی برای اقدامات متقابل حقوقی و اقتصادی تأکید دارد. همکاری با چین و روسیه، استفاده از سازوکارهای اقتصادی چندجانبه و فعال‌کردن ظرفیت‌های بازراندگی، ابزارهایی هستند که می‌توانند ضمن حفاظت از منافع ملی، ایران را از تهدیدات احتمالی حفظ کنند. پیشنهاد ایران برای ارائه قطع‌نامه جدید با همکاری چین و روسیه که حق غنی‌سازی هسته‌ای ایران را به رسمیت بشناسد و تجاوز آمریکا و اسرائیل را محکوم کند، نمونه‌ای از این راهبرد جامع است.

در کنار جنبه‌های حقوقی و اقتصادی، راهکارهای امنیتی و بازراندگی نیز در دستور کار قرار دارند.

پیام تهران به واشنگتن!

چنین وضعیتی عملاً امیدها برای بازگشت به دیپلماسی سازنده را کاهش داده و بر پیچیدگی معادلات سیاسی و امنیتی منطقه افزوده است. لاریجانی در اظهارات اخیر خود بر همین نکته تأکید کرده و گفته است مسیر مذاکره باید عقلانی باشد، نه ابزاری برای تحمیل فشارهای تازه. در سناریوی خوش‌بینانه، اگر طرفین بتوانند بر سر چارچوبی مشترک توافق کنند، شاید راه برای کاهش تنش‌ها باز شود. اما در سناریوی بدبینانه، ادامه وضعیت فعلی می‌تواند به بن‌بست کامل سیاسی منجر شود؛ بن‌بستی که نه‌تنها ایران و آمریکا بلکه کل منطقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در هر دو حالت، آنچه مسلم است این است که آینده مذاکرات بیش از هر چیز به اراده سیاسی و واقع‌گرایی طرفین بستگی دارد.

ادامه از صفحه ۲

داوود حشمتی: تفاوت براندازی امروز با برخی انقلابی‌های ۵۷ در یک نقطه آشکار است. انقلابیون سال ۵۷ تلاش می‌کردند زندگی چریکی را تنها مختص به خودشان کنند، اما براندازان حرفه‌ای امروز (که از این محل ارتزاق می‌کنند) می‌گویند: مردم به جای تفریح بجنگند تا ما براندازی کنیم. نشانه روشن آن را در مواجهه آنها با کنسرت همایون شجریان می‌شود دید. جایی که افراطی‌های داخلی با براندازان در مسیر برگزارنشدن کنسرت در میدان آزادی کام بر می‌دارند.

اپوزیسیون برانداز و پروژه شرایط بحرانی

اپوزیسیون برانداز که عمدتاً در خارج از ایران فعالیت می‌کند، از برگزاری کنسرت همایون شجریان به‌عنوان فرصتی برای پیشبرد پروژه خود استفاده کرد. این جریان که سال‌هاست از طریق بازنمایی ایران به‌عنوان کشوری در آستانه فروپاشی و انقلاب، منابع مالی و سیاسی خارجی را جذب می‌کند، هرگونه حرکت به سمت عادی‌سازی را تهدیدی مستقیم برای موجودیت خود می‌بیند. کنسرت، به‌ویژه کنسرتی با نام شجریان که بار فرهنگی و اجتماعی عمیقی در میان ایرانیان دارد، برای آنها به معنای نمایش ثبات، آرامش و زیست فرهنگی شاد در مردم ایران است. چنین تصویری، روایت همیشگی آنها از ایران ملت‌په و آماده‌شورش را مخدوش می‌کرد. بنابراین با تمام توان به آن حمله کردند.

حملات اپوزیسیون برانداز به این کنسرت در چند محور مشخص قابل بررسی است:

۱- بازنمایی امنیتی از کنسرت: یکی از اصلی‌ترین استراتژی‌های اپوزیسیون، تبدیل‌کردن این رویداد فرهنگی به یک تهدید امنیتی در ذهن برخی در داخل بود. آنها با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه پلتفرم‌هایی مثل X، کمپین‌هایی را راه‌اندازی کردند که کنسرت را به‌عنوان بستری برای تجمعات اعتراضی و اقدامات ضد حاکمیتی معرفی می‌کردند. این بازنمایی، نه‌تنها برای تحریک نهاد های داخلی طراحی شد، بلکه تلاش داشت تا ایجاد ترس در میان تصمیم‌گیران، مجوز برگزاری کنسرت را لغو کند. پست‌هایی با هشتک‌های هدفمند و تحلیل‌های شبه‌امنیتی در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه از سوی چهره‌های شناخته‌شده اپوزیسیون، به این فضا سازی دامن زدند.

۲- تحریک ایرانیان خارج از کشور: اپوزیسیون برانداز، که بخش عمده‌ای از پایگاه خود را در میان ایرانیان خارج از کشور می‌جوید، تلاش کرد با تحریک احساسات این گروه، کنسرت را به‌عنوان نشانه‌ای از «عادی‌سازی ظلم» معرفی کند. آنها با انتشار محتواهایی احساسی و گاه تحریف‌شده، مدعی شدند

کنسرت همایون شجریان برگزار نشد

براندازان مردم را گروگان گرفتند



می‌خواهند مردم ایران را گروگان نگه دارند و هرگونه تلاش برای بازگشت به زندگی عادی را خشتی کنند.

انگیزه‌های پشت پرده

چرا اپوزیسیون برانداز تا این حد بر غیرعادی‌سازی زندگی در ایران اصرار دارد؟ پاسخ در ساختار مالی و سیاسی این جریان نهفته است. بسیاری از چهره‌های کلیدی اپوزیسیون که در خارج از ایران مستقر هستند، از فاند های خارجی برای ادامه فعالیت‌هایشان بهره می‌برند. این منابع مالی، تنها در صورتی جریان پیدا می‌کند که ایران به‌عنوان کشوری در آستانه فروپاشی معرفی شود. برگزاری کنسرت، جشن‌های مردمی، یا هر نشانه‌ای از ثبات و زندگی عادی، این روایت را تضعیف می‌کند و به همین دلیل، مورد حمله آنها قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، این جریان با نگه‌داشتن ایرانیان خارج از کشور در وضعیت تعلیق و جلوگیری از بازگشت آنها به زندگی عادی، از آنها به‌عنوان ابزاری برای فشار به ایران استفاده می‌کند.

قدرت اکثریت خاموش

با وجود همه این حملات، واقعیت این است که اکثریت مردم ایران که خواستار زندگی عادی، فرهنگ و آرامش هستند، از قدرتی بی‌نظیر برخوردارند. وقتی این اکثریت حول محور رویدادی مثل کنسرت همایون شجریان گرد هم می‌آیند، می‌توانند هر دو جریان افراطی – چه تندروهای داخلی و چه اپوزیسیون برانداز – را کنار بزنند. این اکثریت، خواستار یک زندگی نرمال است که نه اپوزیسیون برایش دستورالعمل تعیین کند نه تندروها در داخل. در عین حال وقتی وزارت ارشاد مجوز کنسرت را صادر می‌کند، یعنی این رویداد را به‌عنوان بخشی از فرهنگ جامعه پذیرفته و هیچ تهدیدی در آن نمی‌بیند. در این میان مخالفت تندروها تا دو سر تلاش‌های اپوزیسیون برای بازنمایی کنسرت به‌عنوان اقدامی در تضاد با حاکمیت، منجر به جابه‌جایی کنسرت شد تا دو سر افراطی سیاست ایران احساس پیروزی کنند.

در نهایت اینکه حملات اپوزیسیون برانداز به کنسرت همایون شجریان، بخشی از پروژه بزرگ‌تر آنها برای غیرعادی‌سازی زندگی در ایران است، پروژه‌ای که با برگزارنشدن کنسرت تکمیل شد. کنسرت، نه نماد تقابل است و نه ابزار سیاسی، بلکه نشانه‌ای است از خواست مردم برای زندگی معمولی، موسیقی و امید. و این خواسته البته از فشار هر افراطی قوی‌تر است و در نهایت به خواسته خودش خواهد رسید.

را «نمایش حکومتی» تعریف کنند تا مردم از حضور در آن منصرف شوند. تصویر همایون شجریان با لباس نظامی سپاه در میدان آزادی که علی‌کریمی در صفحه خود منتشر کرد، نشانه روشن این استراتژی بود. آنها مدعی شدند که این رویداد، تلاشی از سوی حاکمیت برای یرت‌کردن حواس مردم از مشکلات اقتصادی و اجتماعی است. این در حالی است که صدور مجوز کنسرت از سوی وزارت ارشاد، خود نشانه‌ای از پذیرش این رویداد به‌عنوان بخشی از زیست فرهنگی جامعه بود، نه تلاشی برای تقابل با مردم.

تفاوت با انقلابیون ۵۷

برای درک بهتر رفتار اپوزیسیون امروز، بد نیست با رفتار برخی انقلابیون سال ۵۷ مقایسه شود. انقلابیون آن دوره، با وجود فعالیت مسلحانه، تلاش می‌کردند مبارزه خود را از زندگی روزمره مردم جدا نگه دارند. آنها با رفتارهای چریکی، مانند فعالیت‌های مخفی، سعی داشتند بدون ایجاد اختلال گسترده در زندگی توده‌های مردم و حتی خانواده و نزدیکان، اهداف خود را دنبال کنند. حتی در اوج مبارزه با رژیم پهلوی، خانواده‌ها و زندگی روزمره مردم تا حد زیادی از فعالیت‌های سیاسی آنها مصون بود. اما اپوزیسیون برانداز امروز، به شکلی آگاهانه، زندگی عادی مردم را هدف قرار داده است. آنها با ترویج ناامیدی، ایجاد فضای ملت‌په و تحریک احساسات،

که برگزاری چنین رویدادهایی به معنای چشم‌پوشی از مطالبات مردم ایران و تثبیت وضعیت موجود است. این در حالی است که خود این افراد، که اغلب در کشورهای اروپایی و آمریکا زندگی مرفهی دارند، هیچ تمایلی به بازگشت به

ایران و مشارکت مستقیم در هر نوع فعالیت سیاسی ندارند. هدف آنها، نگه‌داشتن ایرانیان خارج از کشور در وضعیت تعلیق و استفاده از آنها به‌عنوان پیاده‌نظام بی‌چیره و موجب برای پروژه‌ها و فاند هایی است که از نهادهای بین‌المللی و کشورهای خارجی دریافت می‌کنند. ۳- ایجاد دوقطبی در داخل ایران: اپوزیسیون با استفاده از رسانه‌های خود، تلاش کرد کنسرت را به موضوعی دوقطبی تبدیل کند. از یک سو، آنها با برجسته‌کردن مخالفت‌های جریان‌های تندروی داخلی، سعی کردند این رویداد را به نشانه‌ای از تقابل میان مردم و حاکمیت بدل کنند. از سوی دیگر، با انتشار محتوایی که کنسرت را به‌عنوان ابزاری برای «تسکین» ناراضیانی‌های مردم معرفی می‌کرد، کوشیدند بخشی از جامعه را علیه برگزاری آن تحریک کنند. این دوقطبی‌سازی که با هدف ایجاد شکاف میان مردم و نهادهای فرهنگی انجام شد، نشان‌دهنده استراتژی کلاسیک اپوزیسیون برای مختل‌کردن هرگونه هم‌گرایی اجتماعی است.

۴- استفاده از پروپاگاندای هدفمند: بخشی از رسانه‌ها و اکانت‌های مرتبط با براندازان تلاش کردند تا این کنسرت

سخنگوی قوه قضائیه مطرح کرد

بانک مرکزی درباره بدهی

بابک زنجانی اظهار نظر نکند

سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری دیروز اعلام کرد که بانک مرکزی نباید درباره بدهی بابک زنجانی اظهار نظر کند، چراکه این اظهار نظرها فاقد مبنای فنی و کارشناسی است. همچنین درباره پرونده شبنم نعمت‌زاده تأکید شد که وی پس از مرخصی شش روزه به زندان بازنگشته و حکم جلب وی صادر شده است. قوه قضائیه با جدیت در پی احقاق حقوق ملت و برخورد با مفساد اقتصادی است و نسبت به انتشار اظهارات تحریک آمیز و تشویش آذهان عمومی هشدار داد. صفر جهانگیر در نشست خبری در پاسخ به سوآلی درباره تفاوت نظر قوه قضائیه و بانک مرکزی درباره پرداخت بدهی‌های بابک زنجانی، گفت: پرونده بابک زنجانی از پرونده‌های پیچیده مفاسد اقتصادی است که در طول ۱۳ سال گذشته با اقدامات مختلفی توسط دستگاه قضائی و ضابطان همراه بوده است که به دلیل حجم زیادی که این پرونده داشته و انرژی زیادی گرفته و در مراجع قضائی بررسی شده و در نهایت منجر به حکم قطعی شد. وی افزود: پرونده‌هایی در این سطح از مفساد اقتصادی با وجود تلاش و جدیت دستگاه قضائی که کمک می‌کرده مالباختگان به مالشان برسند، متأسفانه شاهد این بودیم که در پرونده‌های مختلف متهمان متواری می‌شدند و غیر قابل دسترس بودند یا اگر در داخل بودند و محکومیتی که درخصوص رد مال پیدا می‌کردند عملیاتی نمی‌شد، حقوق ملت هم تأمین نمی‌شد. وی ادامه داد: با این ابعاد ضمن اینکه متهم دوره محکومیتش را طی می‌کرد و اراقی برایش در نظر گرفته نشد و تا معرفی اموال به او یک روز مرخصی داده نشد، کشور توانست به اموالش برسد. اموالی که رسید اعلام شد که میزان ارزش اموال معرفی‌شده حتی بیشتر از بدهی وی است و از این حیث تمام اعضای کارگروه بر این موضوع صحه گذاشتند. سخنگوی قوه قضائیه ادامه داد: پس آنچه امروز در رسانه‌ها پخش شده که این اموال بازنگشته، هیچ ادله حقوقی مستدلی ندارد. این نکته‌ای که الان مطرح شده که اموال او در بانک مرکزی کمتر از بدهی‌اش است، مورد تأیید نیست، زیرا این امر از اختیارات دادگاه است و در مقام ارزش دارد یا ندارد، اظهار نظر می‌کند و تعبیر بانک مرکزی مبنا بی ندارد نه مبنای فنی و نه کارشناسی.

تذکر قضائی به رئیس بانک مرکزی درباره پرونده بابک زنجانی

وی افزود: در مقطعی که کشور نیاز به آرامش دارد ما نباید با رفتارهای خودمان به نحوی عمل کنیم که باعث تشویش آذهان عمومی شویم. در این خصوص تذکرات قضائی با دعوت رئیس کل بانک مرکزی به ایشان داده شد و توصیه شد که در روند حقوقی اختلال ایجاد نشود و از صحبت‌های تحریک آمیز خودداری کنند.

تذکر به بابک زنجانی برای اظهارات تحریک آمیز

وی افزود: به بابک زنجانی توسط ضابطان نیز تذکر اکید داده شد که از اظهارات تحریک آمیز خودداری کند، در غیر این صورت برخورد قانونی لازم با او می‌شود. دستگاه قضائی به وظیفه قانونی عمل کرده و می‌کند و تشخیص اینکه آیا متهم و محکومی، اموال خودش را تسویه کرده یا پس داده یا نه با مرجعی است که او را محکوم کرده که قوه قضائیه است و در کنار آن وزارت نفت می‌تواند اظهار نظر کند؛ بنابراین باید از اظهار نظرهای دیگر خودداری کرد. جهانگیر در پاسخ به سوآلی درباره موضوع متناسب‌سازی و ارزشمندی محتوای منتشرشده در فضای مجازی گفت: انتشار محتوای مجرمانه، چه در سکویهای داخلی و چه خارجی، مسئولیت قانونی و کیفری برای منتشرکنندگان به همراه دارد. مصادیق محتوای مجرمانه به طور مشخص توسط قانون‌گذار تعریف و از طریق کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه اعلام شده است. سخنگوی قوه قضائیه ادامه داد: قانون‌گذار برای حمایت از پلتفرم‌های داخلی و کاهش آسیب‌های احتمالی، تسهیلاتی را در نظر گرفته است. برای نمونه، براساس تبصره یک ماده ۷۴۹ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که سکویهای داخلی پس از انتشار محتوای مجرمانه به سرعت نسبت به رفع آن اقدام کنند، مشمول فیلترینگ نخواهند شد. جهانگیر ادامه داد: درمورد پلتفرم‌های خارجی نیز اگر این سکوها نمایندگی قانونی در کشور داشته باشند، موظف به پاسخ‌گویی و حذف محتوای مجرمانه هستند تا بتوانند از حمایت‌های قانونی بهره‌مند شوند.



من هم
حمایت
می‌کنم

یک اسکن تا سلامتی



محک
مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

شماره کارت بانک دی ۰۲۱ - ۲۳۵۴۰

۵۰۲۹-۳۸۷۰-۲۰۰۰-۰۶۵۶